

میدون و سوفیا

خلاصه بودجه ایران:

جای آموزش ماهیگیری کنسرو ماهی وارد کنید!

● **بوریا عالمی:** بابای سوفیا می‌گوید اکبر ترکان، مشاور عالی سابق حسن روحانی گفته: «در دهه ۴۰ تا ۵۰ در مجلس، قانونی به نام «اصل تمرکز بودجه» تصویب می‌شود که نقطه انحراف بودجه است. در این اصل گفتند همه درآمدها را در یک طرف می‌ریزیم و هر کس هر چه مصرف داشت، از همین طرف به او می‌دهیم». من می‌گویم: در اینکه اصل حرف ترکان درست است بحثی نیست، مسئله اینجاست که چرا ما مدام دنبال مقصریم؟ بعد چرا هرطوری نگاه می‌کنیم همه تقصیرها می‌افتد دهه ۴۰ تا ۵۰؟ خود ما به چه بودیم و شیفت بعدازظهر می‌قتیم مدرسه، هر اتفاقی می‌افتاد می‌انداختیم کردن «صبحی‌ها». حالا هم این دهه ۴۰ و ۵۰ شده «صبحی‌ها»ی مسئولان!

لعنت بر مارشال! بابای سوفیا می‌گوید ترکان توضیح داده: «منابع دارایی، گمرکات و مالیات بود و مصارف آن نیز بودجه جاری کشور و مثل امروز نبود که همه بودجه‌ها از یک جا پرداخت شود. بر اساس طرح مارشال، پول صرف برنامه می‌شد، نه صرف حکومت». من می‌گویم: لعنت به مارشال و طرح و طرح مارشال، اگر از اول پول صرف برنامه نمی‌شد و صرف دولت می‌شد، الان ما مسئله نداشتیم و اصلا به عقلمان نمی‌رسید که چرا پول صرف برنامه نمی‌شود و همداش تخویربخور می‌شود. خدا بگوید این مارشال و طرح مارشال را چه‌کار کند. کاش از همان ابتدای بودجه جای طرح مارشال، طرح ترفایک تهران توی بودجه انجام می‌شد که تا الان همه به تخویربخور عادت کرده باشیم. حیف شد واقعا.

چرا عاقل کند کاری؟ بابای سوفیا می‌گوید ترکان گفته: «برنامه توسعه اول از سال ۲۷ تا ۳۴ با محوریت توسعه کشاورزی بود. برنامه دوم از ۳۴ تا ۴۱ بود و برنامه سوم از ۴۱ تا ۴۶ با محوریت صنعت، برنامه چهارم از ۴۶ تا ۵۱ آن هم با محوریت صنعت و برنامه پنجم هم از ۵۱ تا ۵۶ بود». من می‌گویم: خوشخانه جلوی آن غلط گرفته شد و الان بودجه را هرجا بشود خرج می‌کنیم. چه معنی دارد آدم عاقل پول یه‌زبان را خرج کار عمرانی و صنعت و کشاورزی کند؟ هان؟ **آخ‌وواخ** بابای سوفیا می‌گوید ترکان تصریح کرده: «برنامه‌های توسعه‌ای، توسط سازمان برنامه هدایت می‌شد، به‌طوری‌که بر اساس طرح مارشال، ایده آمریکایی‌ها برای توسعه کشورهای تحت پوشش آنها این‌گونه بود که پول را دست حکومت‌ها نمی‌دادند تا مصرف کنند، بلکه ترجیح می‌دادند که پول صرف برنامه شود، نه صرف حکومت». من می‌گویم: خاک‌توسر آمریکایی‌ها که با طرح‌های توسعه قصد آسیب به کشورهای درحال‌توسعه را داشتند. (البته این حرف ربطی به ایران ندارد، چون ما از اول منشور حقوق بشر-کروشر را داشتیم و کسی را آدم حساب نمی‌کردیم!) خوشبختانه برخلاف آمریکایی‌ها که اول در باغ سبز را نشان می‌دهند و بعد تخویربخور می‌کنند، روسیه‌ای‌ها اصلا اهل این قرتی‌بازی‌ها نیستند و طرح – مرح نمی‌کنند و می‌دوند و می‌روند.

نقطه صفر عمرانی! بابای سوفیا می‌گوید ترکان گفته: «بالاخره به این نقطه رسیدیم که بودجه سال‌های اخیر از نظر بودجه عمرانی تقریبا صفر است!» من می‌گویم: خدا را شاگردم. اصلا چه معنی داشت که کار عمرانی کنیم؟ ما پارسل هر چی فیلم دیدیم مال یک مؤسسه بود که همه آنها با ما کار عمرانی کرده؛ یعنی به ساخت‌وساز ما پرداخت. **صبحی‌ها... صبحی‌ها...** بابای سوفیا می‌گوید ترکان می‌گوید: «به بودجه عمرانی کشور، صرفا یک‌سری اوراق قرضه یا اوراق مشارکت بانکی یا اسناد خزانه می‌دهیم. اینها مثل پول است؟ اینها چه وعده‌ای است؛ بنابراین نقطه انحراف آتجا بود که اسمش را اصل تمرکز بودجه گذاشتند و همه درآمدها را در یک کاسه و همه مصارف را هم در یک کاسه گذاشتند». من می‌گویم: بهترین نتیجه‌گیری، الان بودجه عمرانی صفر است، ولی نقطه انحراف تقصیر دهه ۴۰ و ۵۰ است؛ آجب عزیز من، ۴۰ سال گذشته جناب ترکان شما مسئول بودی آخرش یا نه؟ واقعا تقصیر «صبحی‌ها» است و شیفت ما بی‌تقصیر است! **بودجه طلا** بابای سوفیا می‌گوید ترکان گفته: «آقای روحانی قصد تغییر ساختار بودجه را ندارد».

من می‌گویم آفرین. اصلا حیف است که دست به ترکیب چنین دسته‌گلی زد. به نظر ما بودجه را طلا بگیرند و بگذارند لب کوزه و آبش را بخورند. هر چقدر وقت یک‌بار هم مثل دوران پارتیه‌سنگی کوبن و زنبیل نخود و لوبیا پخش کنیم بین مردم. از قدیم هم گفتند بودجه را جای اینکه خرج آموزش ماهیگیری یا تولید ماهی کنی، باید کنسرو ماهی بخری و وارد کنی.

هرکاری بابای سوفیا می‌گوید: خاک توی سرت میدون دوم! دشمنی تو با مسئولان چیست که هر کاری می‌کنند راضی نمی‌شوی؟

می‌گویم: دشمنی که ندارم. عاشقشان هستم! فقط می‌گویم هر کاری نکنند تا راضی شویم. هیچ کاری نکنند و به موقعیت‌ها دست نزنند. با تشکر.

تجربه! بابای سوفیا می‌گوید: تو چرا نظرات کارشناسی آقای اکبر ترکان را وقتی نمی‌نهی؟ می‌گویم: اتفاقا وقع نهادم، چون حرفش حاصل تجربه است! با هم کارنامه ایشان را مرور کنیم ببینیم چی شد که این‌طوری شد و چرا همه‌چیز تقصیر صبحی‌هاست؟

دفاع ایران، وزیر راه و ترابری، معاون امور بین‌الملل، رئیس هیئت مؤسس دانشگاه شمال، رئیس سازمان نظام مهندسی، دبیر شورای هماهنگی مناطق آزاد و مشاور عالی رئیس‌جمهور بوده. تا‌الان که فرصت خدمت نبوده! حتما اگر شایسته‌سالاری باشد و یکی مثل ترکان بیاید سر کار، همه چیز حل می‌شود.

شتر روزنامه

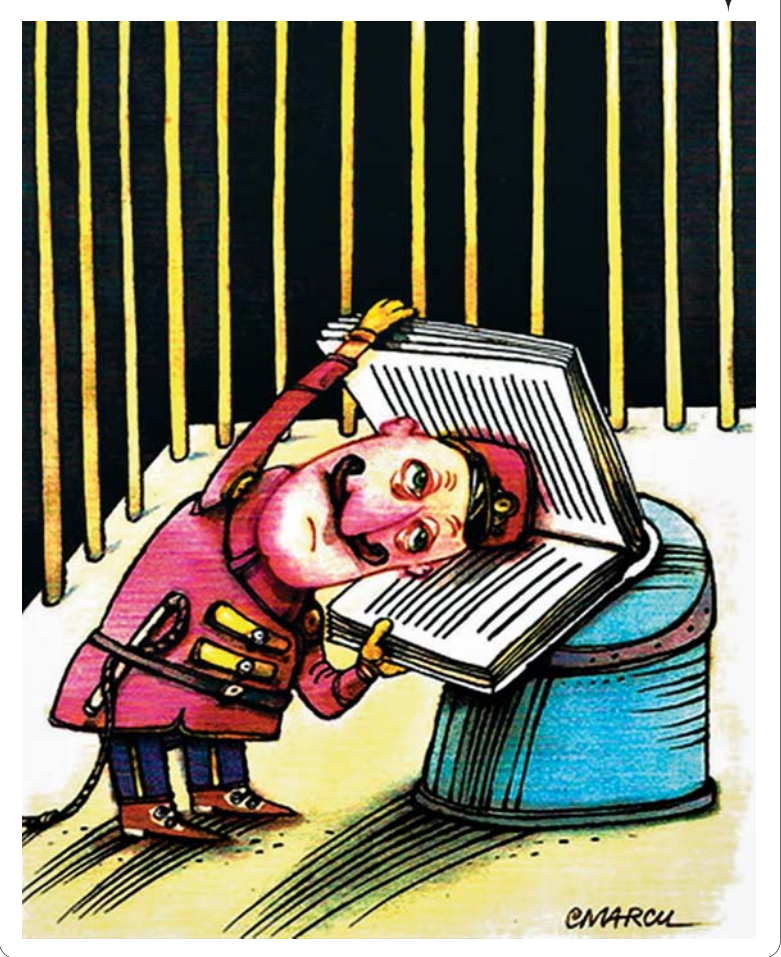
یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۷ ۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۸ سال شانزدهم • شماره ۳۳۱۷ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۱۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۳ • اذان صبح فردا ۵:۳۸ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

روزنارضا

کار تون خواب

کریستین مارکو



زیر آسمان جهان

خبر می‌میرد اما روزنامه‌نگاری نه!

■ مردم حاضر می‌شوند مبلغ بیشتری بپردازند تا اخبار کمتری را دریافت کنند.
■ اکنون دیگر مخاطبان برایمان مصرف‌کننده نیستند، آنان به عنوان مؤلفه‌های جدید پذیرفته شدند. ما ایده‌های جدید، متحدان جدید و منابع جدیدی را پیدا کردیم و در عوض روزنامه‌نگاری محلی و اعتماد عمومی به اخبار روز، هر روز کمتر و کمتر شد.
■ سال آینده مشکلات بیشتری وجود خواهد داشت.

پیش‌رو آشناتر کند، به‌ویژه در این دوران که در ایران، خبر اهمیت زیادی پیدا کرده است. برخی پیش‌بینی‌ها کاملا تخصصی است؛ مانند اینکه پادکست‌ها رشد می‌کنند، داستان‌های جدید و داستان‌سرایان جدید پدید می‌آیند، پادکست‌های دقیق و تحقیقی که گزارش‌های عمیق از مشکلات اقلیت را ارائه می‌دهند یا اینکه

یکی پیش‌بینی کرده که رسانه‌های اسپانیایی‌زبان

حذف می‌شود. اما با این پیش‌بینی که خبر می‌میرد، روزنامه‌نگاری نمی‌میرد، یا درواقع نباید بمیرد! به

سراخ پیش‌بینی‌های دیگر می‌رویم.

■ برخلاف فناوری، فرهنگ به‌آرامی تغییر می‌کند، اما وقتی این اتفاق می‌افتد، عواقب این تغییرات طولانی‌مدت خواهد بود. پس ناامید نشویم.
■ مشکل اعتماد جدید نیست. از روزگاری که ما مخاطبان رسانه را یکپارچه‌می‌دانستیم، مدتی طولانی گذشته است، باید به عقب برگردیم.
■ اگر ما از قدرتمان استفاده نکنیم تا اخبار باکیفیت، راهی دیگری غیر از ما پیدا خواهند کرد.
■ خبرگزاری‌ها می‌توانند نظرات مردم را به‌جای شبکه‌های اجتماعی دریاوند. اگر خبرگزاری‌ها بتوانند نظرات مردم را داشته باشند بهتر می‌توانند در کار خود پیشرفت کنند و این دایره می‌تواند آن را برای دریافت نظرات بهتر کمک کند.

پیشنهاد

مغزپژوهی ترس و خشم
شرق: دو‌یست‌ونودویکمین سمینار ادواری عصب‌پژوهی اجتماعی به «مغزپژوهی ترس و خشم در جوامع انسانی» اختصاص دارد. سخنران این نشست دکتر زرگل مرادی از مرکز تحقیقات تصویربرداری مغزی دانشگاه کاردیف است. این

بسیاری از جامعه‌شناسان یکی از علل مهم زمینه‌ای در اوج‌گیری پوپولیسم به صورت ناسیونالیسم افراطی در جوامع امروز به‌ویژه در کشورهای غربی را رشد بی‌عدالتی پنهان در نظام حاکم سرمایه‌داری امروز می‌دانند. آمار نشان می‌دهد که در توسعه‌یافته‌ترین کشور سرمایه‌داری جهان، یعنی آمریکا، نابرابری و بی‌عدالتی اقتصادی در ۳۰ سال گذشته به‌سرع‌ت رو به رشد بوده است، به‌طوری‌که ۱۰ درصد جمعیت آمریکا ۹ برابر ۹۰ درصد مردم درآمد دارند. یک درصد افراد در رأس هرم ثروتمندان، ۴۰ برابر ۹۰ درصد افراد کم‌درآمد، پول می‌سازند و یک‌دهم درصد در بالاترین سطح، ۱۹۸ برابر ۹۰ درصد مردم آمریکا ثروت دارند. نمونه این شکاف طبقاتی عظیم را نه‌فقط در کشورهای پیشرفته صنعتی، بلکه در کشورهای عقب‌مانده امروز نیز می‌توان شاهد بود.

در یک پروژه مغزپژوهی بزرگ در سه دانشگاه آمریکا (بخشی از پروژه بزرگ کانکتوم) که ترامپ بودجه دولتی آن را قطع کرده است، نشان داده شده مغز کودکان هفت تا ۹ساله‌ای که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، به‌ویژه در بخش وسیع پیش‌پیشانی که در تنظیم هیجان، احساس، توان اجرایی و رفتار نقش مهمی بازی می‌کند، دچار تأخیر رشد می‌شود. از طرف دیگر، می‌دانیم که در آمریکا حداقل ۱۵ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. تأخیر رشدی در بخش مهم پیش‌پیشانی مغز در کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند اگر پابرجا بماند، بدیهی است در سنین جوانی و بلوغ و شاید پس از آن موجب رفتار هیجانی و اجتماعی نامناسبی در مقابله با واقعیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شود و افراد را با باورهای غلط و گاه هذیان‌آلود وارد مبارزات اجتماعی کند که ساده‌ترین آنها جریانات پوپولیستی ناسیونالیستی افراطی است که هم‌اکنون ساختار سیاسی بسیاری از کشورها را با بحران جدی



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

کند. او برای هدف قرارداددن قشر وسیعی از مردم محروم زخم‌خورده از نابرابری اقتصادی، ابتدا آنها را از (آدم‌های بد) می‌ترساند تا این‌چنین به دستگاه هیجانی، عاطفی و اجتماعی مغزشان راه پیدا کند. او به مردم می‌گوید: مهاجران و پناهندگان، افراد بدی هستند، چون آمده‌اند با خودشان بیماری، باورهای بد، اعتیاد و بدبختی بیاورند، پس باید جلوی آنها را گرفت و ملت آمریکا (افراد خوب) را از شرشان حفظ کرد. شرکت‌های اقتصادی جهانی غیرآمریکایی غیرخودی هستند که می‌خواهند کارگرهای آمریکایی را بیکار کنند. پس باید با آنها همچون غیرخودی برخورد و مجادله کرد تا به نفع خودی‌ها (کارگرهای آمریکایی) تمام شود. کارزار مبارزه با آلودگی، گرمایش زمین و افزایش گازهای گلخانه‌ای، افسانه‌ای بیش نیست و از طرف غیرخودی‌های بد مطرح شده است، چون می‌خواهند صنایع بومی آمریکا از طرف خودی‌های خوب در زمینه‌های کشاورزی و استخراج نفت و زغال‌سنگ را نابود کنند. ترامپ پوپولیست با این طریق می‌خواهد بگوید که من ناجی شما هستم و نمی‌گذارم این دشمنان بد، شما را که آمریکایی خودی و خوب هستید از زندگی ساقط شوند و این من هستم که آمریکا را دوباره با شما مردمان خوب مینم پنهانور به عظمت می‌رسانم. بدیهی است که نقش و سیاست اصلی و پنهان پوپولیست‌های تروتمندی مانند ترامپ و دیگران در سرتاسر دنیا، حفظ و گسترش بی‌عدالتی بیشتر برای اکثر طبقات زحمتکش جامعه است. این فشارهای پوپولیستی اجازه نمی‌دهد تا مغزهای آزردۀ از فشار اقتصادی اکثریت بتوانند خود را از مرحله هیجانات و عواطف اولیه در سطح نازل تصمیم‌گیری‌های سریع براساس باورهای اولیه به سطح مکانیسم‌های پیچیده و آگاهانه‌تر در بخش پیش‌پیشانی مغز برسانند. گرچه بنا بر یافته‌های علمی مغزپژوهی پوپولیست‌ها مبارزه با باورهای شکل‌گرفته اولیه از طریق مدارهای مغزی در کسانی که مغزشان از کودکی با بی‌عدالتی اقتصادی رشد کرده است، کاری آسان نخواهد بود. ولی مسلما آگاهی‌یافتن از عمق فاجعه می‌تواند مقدمه پیداشدن راهکارهایی برای نجات آینده بشریت باشد.

یادداشت

از مردم برآمده‌ایم ولی با مردم نیستیم

دوم ریاست‌جمهوری روحانی در حال اتمام است، دریافته‌اند که دیگر امیدی به بهره‌برداری نداشت و به مخالفان دولت تبدیل شده‌اند و چپ و راست به تخریب رئیس‌جمهور می‌پردازند. این در حالی است که مایه جدایی مردم همین آقایان و دارودسته آنها هستند و چون نیک نظر کنند در تمام نابسامانی‌ها، تخریب‌ها، نارضایی‌ها، اعتراض‌ها و رانته‌ها و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در نتیجه بی‌کاری و ناامیدی و جدایی بین مردم و حاکمیت شده و مردم را به اعتراض واداشته و با مسئولان بیگانه کرده‌اند که متأسفانه هنوز هم این‌ر روند تخریبی ادامه دارد. یک روز در صحن مجلس تومار علیه برجام و روز دیگر علیه CFT علم کرده‌اند و همواره کارشان این بوده که به استیضاح وزیری بپردازند تا به مردم بفهمانند که از حق مردم دفاع می‌کنند، اما به طور غیرمستقیم «تضاد درون‌گروهی» حاکمیت را به مردم القا کردند و فهمانند که هر دارودسته‌ای راه خود را می‌رود و مردم برایشان مهم نیستند. اینجا بود که به قول سعدی «متعنتان در کمین و حسودان گوشه‌نشین» داخل و خارج از فرصت‌ها استفاده کردند و با تبلیغات گسترده و فراگیر، مردم را به حاکمیت بدبین و به تحریک مردم، به‌ویژه نسل جوان پرداختند، آنها را به خیابان‌ها سرازیر کردند و حرمت‌ها را شکستند. امید است با مردم و برای مردم باشیم وگرنه این ره به ناکجاآباد است.

پرنده آبی

میهمان داریم

نوشته شده است. نکته دیگر این روزها فیلم «سرو زیر آب» در حال اکران است، دیدن آن را از دست ندهید. فیلم درباره پیکرهای شهدا و خانواده‌هایی است که سال‌هاست چشم‌انتظارند. این‌بار دو پیکر جابه‌جا شده‌اند. چونگی آگاهی از این اتفاق، روابط بین خانواده‌ها و اینکه چگونه باید این پیکرها جابه‌جا شوند یا نشوند، می‌تواند چالش بزرگی برای مخاطب باشد و یادی دوباره از دفاع مقدس و همه سال‌های از خودگذشتگی و ایثار مردم ایران.



تاریخ ایران، اقلیتی محدود که ظاهری خوب دارند اگر خطری پیش آید صحنه را ترک می‌کنند و راه فرار در پیش می‌گیرند، درحالی‌که اکثریت ظطیمی از مردم جامعه در فکر گذران زندگی هستند. در نتیجه فاصله و شکافی بین مردم و دولتمردان پدیدار شده که به گفته کارل مارکس بسیار خطرناک و آسیب‌زااست و سبب می‌شود عده‌ای به دنبال قهرمان در داخل و خارج کشور بگردند. در تاریخ این کشور عوامل جدایی و فاصله‌گرفتن مردم از حکومت همواره وجود داشته است. اما چنان‌که متفکرانی مانند گوردون چایلد و کارل مارکس گفته‌اند، این خود مردم هستند که تاریخ را می‌سازند. گوردون چایلد می‌نویسد: «انسان خود را می‌آفریند» و مارکس می‌گوید: «این آدمیان هستند که تاریخ را می‌سازند». البته تفکر آنها کاملا مخالف افکاری مانند سنت آگوستین قدیس کلیساست که معتقد بود: «تاریخ منظومه دلکشی است که از فراز سر آدمیان می‌گذرد و آدمیان را در او دخل‌وتصرفی نیست». امروز نیز دکماتیسم فکری و یک‌بُعدی‌نگری جامعه را با انواع نابسامانی‌ها روبه‌رو کرده و مردم را دچار چنکم چه‌کنم کرده است. عده‌ای واقعیت موجود جامعه را نادیده می‌گیرند و هرروز این و آن را مسئول می‌دانند و اظهار می‌دارند که اگر ما بودیم چنین و چنان می‌شد و جامعه بهشت برین می‌شد، درحالی‌که چه‌بسا خود منبع فساد و رانت و رشوه‌گیری و مسائل دیگر بودند، ولی اکنون که دوره



امان‌الله قریابی‌مقدم جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

احساسی در جامعه به وجود آمده که مسئولان با آنکه از مردم برآمده‌اند، ولی با مردم یک‌رنگ و همدل نیستند و ولی‌نعمت‌های خود را فراموش کرده و به کنار نهاده‌اند و راه خودشان را می‌روند. به همین جهت فاصله و شکافی بین مردم و دولتمردان به وجود آمده و موجب برخی اعتراض‌هاشده است. به عبارت دیگر همان‌طور که سال‌ها قبل نگارنده اعلام خطر کرده و مقاله‌هایی تحت عنوان «انقلاب اجتماعی خاموش» و «زنگ‌ها برای ما به صدا درمی‌آید»، «آتش‌ی در نیستان» و «در افکار خود خانه‌تکانی کنید» و... در روزنامه‌ها نوشتم که این ناروایی‌ها و فاصله‌گرفتن‌ها از مردم، جامعه و نظام را تهدید می‌کند و دگرگونی‌هایی در پیش است؛ زیرا بین مردم با حاکمیت، اعم از قوه مقننه و قضائیه و قوه مجریه شکاف به وجود آمده و مردم نسبت به عملکرد آنها بی‌تفاوت و ناامید شده و «اعتماد عمودی» به قول فرانسیس فوکویاما، جامعه‌شناس آمریکایی، بین مردم و حاکمیت ضعیف و سست شده است، چون به گفته ابن‌خلدون تونسسی در کتاب «العبر و دیوان المبتدا و الخیر و...» مانند بسیاری از دوران‌های

■ ما همه بازگرانی هستیم که در نثار سیاسی حضور داریم، ما در حال ساخت روزنامه‌نگاری برای روزنامه‌نگاران هشتم و در نهایت خود را به کلوله‌ای برای حامیان خود تبدیل می‌کنیم. ما حامیان خودمان خواهیم شد.
■ بزرگ‌ترین نگرانی ما این است که نابرابری‌های موجود افزایش خواهد داشت حتی اگر منجر به خستگی از اخبار و اجتناب از شنیدن اخبار شود.
■ رسانه از خواننده‌ها مراقبت خواهد کرد. اطلاعات‌دادن به خواننده به معنی مراقبت و محافظت از اوست.
■ امسال به تلاش مربیان و افراد فرهنگی مرتبط است.

روز سه‌شنبه، ۲۷ آذر، پیکر مطهر ۴۶ شهید دوران دفاع مقدس از طریق مرز مه‌ران وارد کشور می‌شوند. قرار بود پیکرهای مطهر ۷۲ شهید دوران دفاع مقدس نیز صبح روز سه‌شنبه (۲۰ آذر) از مرز شلمچه وارد کشور شود. اهالی تویتور و شبکه‌های اجتماعی سعی کردند که دل‌نوشته‌ها و متن‌های احساسی خود را با هشتگ #مهمان-داریم منتشر کنند و این هشتگ جز، ترندهای فارسی قرار گرفت. حال‌وهوای متفاوت این نوشته‌ها با فضای رایج تویتور

